



## برپا کردن مبارزات آزادیخواهانه و رزمنده علیه مستبدان، بهترین راه بزرگداشت جنبش هجده تیر است.

شش سال از جنبش تیر ماه ۱۳۷۸ می گذرد. آن روزها روزنامه دوم خردادی «سلام» توقیف شده بود و دانشجویان که هنوز تحقق شعار آزادی را در دوم خرداد و دولت خاتمی و مطبوعات وابسته به آن جستجو می کردند عکس العمل نشان دادند. پاسخ نیروی انتظامی و اوپاش لباس شخصی، خشن و بیرحمانه بود. خوابگاه دانشجویان مورد یورش قرار گرفت. نیروهای سرکوب در حالی که شعار یا زهر را سر داده بودند، دانشجویان را از اتاقهای طبقه بالا به پایین پرتاب می کردند. همه این وحشیگری ها برای ترساندن و ساکت کردن دانشجویان بود اما نتیجه ای کاملاً متفاوت ببار آورد. از صبح فردای سرکوب، هزاران دانشجو با شعار مرگ بر استبداد، زنده باد آزادی در شهرهای مختلف به خیابان آمدند. سران جمهوری اسلامی که انتظار چنین پاسخی را نداشتند به وحشت افتادند و گنج شدند. خاتمی و موسوی لاری و حجابیان و همدستانشان کوشیدند این جنبش را بخوابانند و دانشجویان را به صحن دانشگاه برگردانند اما موفق نشدند. جنبش دانشجویی بعد از مدتها می رفت که در راه راستین خود قدم بگذارد و به رسالت تاریخی خود عمل کند. جنبش دانشجویی می رفت که شعارهای آزادیخواهانه و حق طلبانه عموم مردم را با صدای بلند در فضای جامعه فریاد کند و موجی از مبارزه جویی و امید را در بین مردم برانگیزد. در آن یک هفته پر شور، هر نوع شعاری به گوش می رسید. هر چه جناح دوم خردادی ها برای کنترل و خاموش کردن جنبش بیشتر تلاش می کردند، شکاف بین این عوامفریبان و بازوی دانشجویی شان یعنی دفتر تحکیم وحدت با بدنه جنبش دانشجویی عمیقتر می شد. حتی یار دوازدهم تیم خاتمی یعنی جریان ملی مذهبی ها هم نتوانست دانشجویان خشمگین را آرام کند. هر دانشجویی که به ضرب باتوم و زنجیر و چاقوی نیروهای سرکوب مجروح می شد، دروغ بودن «اصلاح نظام از درون» بیشتر بنمایش در می آمد. هر خبری که از جان باختن و مفقود الاثر شدن یاران دانشجو منتشر می شد، پوچ بودن تسامح و تساهل را بیشتر برملا می کرد. یک هفته شور بود و یار دبستانی من بود و قدرت نمایی دانشجویان و به مصاف طلبیدن مستبدان. یک هفته سردرگمی حاکمان بود و هراس و توپنه چینی کل حکومتیان علیه جنبش دانشجویی. مبارزه گسترده ای که از هجدهم تیر ماه ۱۳۷۸ بر پا شده بود با حمله نیروهای انتظامی به اجتماعات دانشجویی و دستگیری هزاران فعال دانشجو و مردم پشتیبان آنان سرکوب شد. این سرکوب با توافق و سکوت جناح خاتمی عملی شد. اما در نتیجه همین هفت روز مبارزه و سرکوب بعد از آن، دوران رسوایی و شکست دوم خرداد فرا رسید.

در شش سالی که از مبارزات ۱۸ تیر می گذرد جامعه ایران فراز و نشیب های بسیاری را از گذرانده است. جنبش دانشجویی نیز تغییرات بسیار کرده است. همین جنبش بود که جرقه مبارزات شبانه خرداد ماه ۱۳۸۲ را زد و نقش مهمی در کشتادن قشرهای مختلف مردم به مبارزات رزمنده ضدحکومتی بازی کرد. آنهمه دستگیری، شکنجه، آدم ربایی، اخراج و محرومیت، کارساز نیفتاد و دانشگاه بار دیگر به سنگر مستحکمی برای مبارزه آزادیخواهانه مردم تبدیل شد. فرو ریختن توهمات دوم خردادی و موج دستگیری ها برای دوره ای کوتاه رکود و سکونی نسبی جنبش دانشجویی را به دنبال آورد. ولی این سکون، نشانه تامل کردن و اندیشیدن یک جنبش پویا برای جستجوی راه های نوین و متفاوت بود. جدیت و ادامه دار بودن مبارزه، بیشتر از قبل فهمیده شد. در دوره بعد از هجدهم تیر، شرکت کنندگان در تجمعات اعتراضی دانشجویی کمتر شدند اما عمق و کیفیت مبارزات بیشتر شد. دانشجویانی که در ۱۸ تیر ۷۸ به صورت یک توده بی شکل شرکت کرده بودند جای خود را به گروهبندی های سیاسی مشخصتر دانشجویی با جهت گیری های طبقاتی متفاوت دادند. دوباره بذر مارکسیسم در دانشگاه جوانه زد و دانشجویان چپ حضور خود را اعلام کردند. اگر در هجدهم تیر ماه، شعار حمایت از «سلام» بود و عکس خاتمی و فریاد پسران دانشجو بر سر دختران دانشجو که «شماها بهتر است برگردید به خوابگاه تا کتک نخورید»، حالا دیگر شعار اتحاد کارگر و دانشجو است و تصویر زنجیرهای پاره شده بردگی بر دست طبقه کارگر و حضور سد ناشدنی دختران دانشجو در صف اول مبارزات. جای «جامعه» و «توس» و بقیه مطبوعات پر حرف و فریبکار دوم خردادی را ده ها و ده ها نشریه آگاهی بخش و مبارزه ساز اصیل دانشجویی در سراسر کشور گرفته است. این مسیر روشنی است که تازه در آغاز هستیم.

در تیر ماه امسال، جنبش دانشجویی بازی رسوای انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری را تحریم کرد. کانون مخالفت با این جریان نمایشی و فرمایشی در کل جامعه، دانشجویان و زنان بودند. التماس های دکتر معین و همراهانش و تلاش های تا شب آخر رفسنجانی مکار هم نتوانست حرکت تحریم را بشکند. اینک بر اثر تقلبات و رسوایی های انتخابات ریاست جمهوری، نارضایتی و بهت و خشم عمیقی در بین میلیونها نفر شکل گرفته است. آنان که بطور فعال به تحریم انتخابات دست زدند و علیه این بازی و بازیگرانش شجاعانه تبلیغ کردند در نگاه مردم هشیار و معترض جایگاه سیاسی ویژه ای یافته اند، حتی اگر مردم این را به زبان نیاورند و حتی اگر تحریمگران، خود به این مساله پی نبرده باشند. اینک جامعه انتظار دارد که جنبش دانشجویی نقش سیاسی پیشرو خود را در وقایع و تحولات آتی بازی کند. شعارهای مهم سیاسی را به میان مردم ببرد. در روزهای مبارزه در خیابان حاضر باشد و به چار دیواری دانشگاه محدود نشود. نشریات دانشجویی باید آینه رنج های مردم و بویژه طبقات و قشرهای زیرین جامعه، و فریاد همبستگی و اتحاد مبارزاتی آنان باشد. جنبش دانشجویی باید نقاب از چهره عوامفریبان رنگارنگ که پیاپی از درون حکومت سر بلند می کنند بردارد و هدفشان که بقای استبداد و تحکیم بنای استثمار است را آشکار کند. جنبش دانشجویی باید توهمات که در جامعه نسبت به وعده ها و نقشه های نیروهای امپریالیستی و مشخصاً آمریکا پراکنده شده را پاک کند و این واقعیت را به مردم نشان دهد که رئیس همه استثمارگران و سرکوبگران و عوامفریبان در سراسر دنیا، همین امپریالیستها هستند و از آنها نباید انتظار آزادی و رفاه و خوشبختی داشت. جنبش دانشجویی می تواند و باید پرچمدار مبارزه با ستم بر ملل و خلقهای ساکن ایران باشد. می تواند و باید علیه بی حقوقی و فرودستی زنان در این جامعه مردسالار مبارزه کند. می تواند و باید مبلغ فرهنگ و هنر و ارزشهای نو و افکار علمی و غیر خرافی باشد. آیا دختران و پسران چپ دانشجو شک دارند که پرچم این شعارها و مبارزات را فقط آنان می توانند بر پا دارند؟ آیا شک دارند که فقط آنان می توانند بخش بیشتری از دانشجویان آزادیخواه را به گرد این ارزشها و خواسته های مترقی و پیشرو متحد کنند؟ آیا حاضریم بار مسئولیتی که به عنوان روشنفکر چپ مبارز بر دوش داریم را بپذیریم و جلو برویم؟ این پرسشی است که در هر فرصت و مناسبت مبارزاتی در برابر ما خودنمایی می کند. سالگرد مبارزات هجدهم تیر هم یکی از این مناسبت هاست. بیایید کاری کنیم که بزرگداشت هجدهم تیر نه فقط یک بزرگداشت که صحنه عمل برای پاسخی به مسئولیتیمان باشد.

نشریه دانشجویی بذر